

متن پیاده سازی شده جلسه بیست و پنجم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 27 آبان 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضری که عرض کردیم از مخالفان حجیت خبر واحد، می توان به مرحوم سید مرتضی، ابن زهره، شیخ مفید، مرحوم طبرسی، ابن ادریس و نام برد.

ما این مساله را از قبل از سید مرتضی پی جویی کردیم و رگ های مخالفت حجیت با خبر واحد را به یونس بن عبد الرحمن و برخی دیگر از اصحاب ائمه علیهم السلام (جمیل بن دراج، زراره و فضل بن شاذان) رساندیم.

یونس بن عبد الرحمن می گوید من روایت را زمانی که شاهی از سایر روایات یا قرآن داشته باشد نقل می کنم پس معلوم می شود ایشان نیز از مخالفین حجیت خبر واحد است و برای اعتبار یک روایت دنبال قرینه ای می گردد (مانند موافقت با کتاب و سنت) تا روایت را معتبر بدانند.

نکته: می دانید که یونس بن عبدالرحمن را بسیاری از قمیین تضعیف کرده اند؛ مدرسه قم هم یک مدرسه حدیثی محسوب می شده است.

حتی برخی ها یونس بن عبدالرحمن را تکفیر کرده اند. (البته این ها نیاز به مطالعات رجالی دارد) به نظر می رسد که ایشان چون خبر واحد را حجت نمی دانسته است به همین خاطر تضعیف و تکفیر شده است.

نکته: به نظر می رسد نسبت قیاس گرایی به امثال زراره، جمیل بن دراج و فضل بن شاذان صحیح نباشد چرا که بطلان قیاس در بین شیعیان امر واضحی بوده است و بر خواصی مثل این بزرگان مخفی نبوده است و این بزرگان چون مخالف حجیت خبر واحد بوده اند به قیاس گرایی متهم شده اند.

قیاس اسرا حکم که بر روی یک موضوع رفته (خمر) به موضوع دیگر (الکل و قرص مثلاً) است به خاطر مشابهت در مناط (اسکار)؛ مشکل قیاس گرایان این بود که به عقل ظنی بسیار بها می دادند.

اگر مثلاً روایتی باشد که الکل پاک است قیاس گرا با توجه به قیاس این روایت را کنار می گذارد و قیاس را مقدم بر خبر واحد می کند. به قول خودشان استحسان موخر از قیاس است.

حالا اگر کسی از شیعه (مانند فضل بن شاذان) آمد و قانون مسلم شرعی را گرفت و این قانون را در موارد خرد پیاده کرد و به نصوص خرد اعتنا نکرد دقیقاً کارش مانند قیاس گرا می شود اما با این تفاوت که این شخص از قانون عام تبعیت می کند اما قیاس گرا یک حکم خاص را به موارد دیگر سرایت می دهد.

نکته: فقط من یک نفر را نتوانستم کارش را توجیه کنم و آن مرحوم ابن جنید است به نظر می رسد ایشان همان قیاس اهل سنت را مطرح می کند؛ البته کتابی از ایشان در دست نیست و مرحوم علامه در مختلف نظرات ایشان را ذکر می کند.

این نگاه ما ایرادی که به شخصیت های مثل یونس بن عبدالرحمن و وارد است را دفع می کند؛ به رجال مامقانی رجوع کنید و روایات مدح یونس بن عبدالرحمن و ذم یونس را ببینید. مرحوم مامقانی روایات مدح را مقدم بر ذم می کند اما ما معتقد هستیم که باید ریشه مسائل را پیگیری کنیم تا به نتایج خوبی برسیم.

نکته: مراد مخالفان حجیت خبر واحد مسلماً خبر واحد نامحقوق بالقرائن قطعیه است.

اما کلام موافقین حجیت خبر واحد

از موافقین جلوتر از شیخ طوسی از نظر زمان نداریم البته صدوقین موافق حجیت خبر واحد بودند اما آن کسی که تدوین شده صحبت کرده باشد مرحوم شیخ طوسی است.

شیخ طوسی شاگرد سید مرتضی است و در مساله خبر واحد به شدت با استاد خود مخالف است ؛ در کلام ایشان عجیب این است که 70 یا 80 صفحه در مورد خبر واحد صحبت می کند اما خبر واحد را تعریف نمی کند. البته مراد ایشان از خبر واحد، خبر غیر متواتر و خبر غیر محفوف بالقرائن است.

ایشان می فرماید: عقلاً تعبد به خبر واحد اشکالی ندارد و شرعاً هم بر حجیت آن دلیل داریم.

دلیل : اجماع طایفه است و اجماع هم معصوم است و لذا خبر واحد حجت است.

اما عبارت شیخ طوسی: العدة في أصول الفقه؛ ج1؛ ص 100

قد ورد جواز العمل به في الشرع، إلا أن ذلك موقوف على طريق مخصوص و هو ما يرويه من كان من الطائفة المحقة (شيعه دوازده امامی) ، و يختص بروايته، و يكون على صفة يجوز معها قبول خبره من العدالة و غيرها.

طبق این نقل معلوم شد راوی باید شیعه باشد و روایت معارض نداشته باشد و راوی هم دارای وصف عدالت باشد.

ایشان پس از این بیان چندین صفحه را به ادله موافقان اختصاص می دهد آیاتی مانند آیه نبا، آیه کتمان، پذیرش قول مفتی، شاهد و....

مرحوم شیخ طوسی همه این ادله را باطل می داند گرچه در برآیند موافق حجیت خبر واحد است و تنها دلیلی که ایشان می پسندد اجماع امامیه است.

و الحمد لله رب العالمين